



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم که در بیع فاسد که نقل و انتقال و تملیک و تملک حاصل نشده مشتری ملزم است در صورتی که عین مبیع موجود است خود عین را به صاحبش برگرداند و در صورتی که عین تلف شده در مثلی مثل و در قیمی قیمت آن را برگرداند .

بحث ما در این بود که فقهای ما فرموده اند شخص ضامن در برگرداندن مثل عیناً و یا در صورت تلف مثلاً، ضامن نقصان قیمت سوقیه آن نیست و گفتیم که شیخ اعظم انصاری اولاً بر این مطلب ادعای اجماع کرده و ثانیاً به روایاتی استدلال کرده که دیروز به عرضتان رسید ( باب ۲۰ از ابواب صرف ) .

درباره روایات مذکور بین فقهای ما بحث وجود دارد و ما اول کلام آیت الله خوئی را بیان می کنیم ، ایشان در مصباح الفقاهة جلد ۲ ص ۴۳۴ فرموده در مانحن فیه نقصان قیمت سوقیه را ضامن نیست بلکه فقط ضامن مثل عیناً و یا در صورت تلف مثلاً می باشد ولو اینکه نقصان قیمت بخاطر تأخیر در پرداخت مثل بوجود آمده باشد .

آیت الله خوئی به روایاتی که دیروز خواندیم استدلال کرده ، ابتدا ایشان به سراغ خبر دوم باب که در آن گفته شده : « لك الدراهم الاولى » رفته و فرموده از این خبر استفاده می شود که در مانحن فیه باید مثل را پرداخت کند ولو اینکه قیمت مثل بعد از مدتی یائین آمده باشد .

آیت الله خوئی در مورد خبر اول که بر خلاف خبر دوم

در آن گفته شده بود : دراهم رائج بین الناس باید پرداخت شود ، می فرماید که ضعیف است بخاطر وجود سهل بن زیاد در سند آن لذا مدرک ما خبر دوم می باشد ، ایشان در ادامه بحث دیگری را مطرح می کند و می فرماید : بین موردی که مثل به طور کلی از قیمت بیافتد مثل اینکه یخ را در تابستان گرفته و در زمستان که از قیمت افتاده آورده ، و بین مانحن فیه که مثل دچار نقصان قیمت شده فرق می گذاریم و می گوئیم که در صورت اول ( که مثل به طور کلی از قیمت افتاده ) ضامن قیمت آن مثلاً قیمت یخ در تابستان می باشد اما در صورت دوم ( نقصان قیمت ) ضامن نیست ، خلاصه اینکه ایشان به خبر دوم استدلال کرده و در مورد خبر اول گفته ضعیف بسهل بن زیاد .

خوب و اما بنده چند اشکال به کلام آیت الله خوئی دارم : اول اینکه خبر اول دو طریق داشت یکی طریق کلینی که در آن سهل بن زیاد نبود و دیگری طریق شیخ طوسی که سهل بن زیاد در آن ذکر شده بود بنابراین طبق نقل کلینی خبر صحیح می باشد .

دوم اینکه درباره سهل بن زیاد بحث زیاد است و دیروز عرض کردیم که ۲۳۰۴ خبر از سهل بن زیاد نقل شده ، اما در مورد سهل بن زیاد باید عرض کنیم که سهل بن زیاد در قم بوده و همچنین احمد بن محمد بن عیسی که از طبقه ۷ می باشد نیز در قم بوده ، احمد بن محمد بن عیسی از علمای بزرگ قم بوده که حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام را نیز درک کرده بوده ، در آن زمان در قم دو بیست هزار محدث وجود داشته و احمد بن محمد بن عیسی در آن زمان در قم عالم و فقیه و

محدث بزرگی بوده که ریاست و قدرت و مرجعیت نیز داشته لذا کسانی که احادیث ضعیف نقل می کردند را از قم بیرون می کرده من جمله احمد بن محمد بن خالد برقی را که البته بعداً فهمید که در مورد او اشتباه کرده لذا او را برگرداند و حتی ذکر شده که وقتی احمد بن محمد بن خالد برقی از دنیا رفت با پای برهنه جنازه او را تشییع کرده ، و اما یکی دیگر از کسانی که احمد بن محمد بن عیسی او را طرد کرد و از قم اخراج کرد همین سهل بن زیاد می باشد که بعد از اخراجش به ری رفت و در آنجا ساکن شد ، علت این امر آن است که قمیین در آن زمان یک سری از حرفها که ما الان آنها را جزء ضروریات دینمان می دانیم غلو می دانستند مثل این حرف که ائمه (ع) در شکم مادرانشان حرف می زدند ، و چون سهل بن زیاد این قبیل روایات را نقل می کرده لذا او را از قم اخراج کرده بودند و از طرفی علامه بحر العلوم در الفوائد الرجالیه و مرحوم مامقانی در تنقیح المقال با دلیل ثابت کرده اند که سهل بن زیاد خیلی خوب و موثق می باشد لذا حرف ما این است که رمی سهل بن زیاد به ضعف با توجه مطالبی که عرض شد به این آسانی که آیت الله خوئی او را رمی به ضعف کرده نمی باشد ایشان در معجم رجال حدیث جلد ۸ ص ۳۳۷ نیز فرموده سهل بن زیاد ضعیف است ولی همانطور که ما عرض کردیم رمی سهل بن زیاد به ضعف درست نیست چرا که مامقانی در جلد ۲ تنقیح المقال و علامه بحر العلوم در الفوائد الرجالیه او را توثیق کرده اند .

اشکال سوم ما به آیت الله خوئی آن است که هم خبر اول که شما به خاطر وجود سهل حکم به ضعف سندش

کردید و هم خبر دوم هر دو از یونس بن عبدالرحمن نقل شده اند ، خوب در اینجا از یک نفر دو خبر متخالف نقل شده ، آیا یونس دو دفعه برای امام نامه نوشته و بعد دو جواب متخالف گرفته یا نه ؟ این مطلب بعید است چرا که در واقع او فقط یک دفعه برای امام (ع) نامه نوشته و یک جواب هم بیشتر نگرفته منتهی در نقل اشتباه شده ، لذا ما نمی توانیم بگوئیم که این دو خبر باهم متعارض اند بلکه ما باید حکم به اجمال این دو خبر بکنیم و ما دیروز نیز عرض کردیم که این کلام متعلق به آیت الله العظمی آقای بروجردی می باشد که در درسشان مکرراً بیان می کردند ، خوب اینها اشکالات ما به کلام آیت الله خوئی بود که به عرضتان رسید .

هر کدام از فقهای ما طور خاصی درباره این روایات بحث کرده اند ولی به نظر بنده کلام حضرت امام (ره) صحیح است ، ایشان فرموده اند روایات مذکور مربوط به باب قرض می باشد و ما در باب قرض بحث نمی کنیم زیرا قرض یعنی تملیک بالضمآن و این یعنی اینکه انسان ضامن است یا عین مالی که قرض گرفته را برگرداند و یا اگر عین تلف شود در مثلی مثل و در قیمی قیمتش را برگرداند اما ید در قرض یدِ عدوانی نیست بخلاف بحث ما که در آن ید ، یدِ عدوانی می باشد چونکه وقتی عقد فاسد شود حکم غصب را دارد و تمام سؤال و جوابهایی که در اخبار باب ۲۰ از ابواب صرف مطرح شده نیز در مورد قرض می باشد نه در مورد مقبوض به عقد فاسد که محل بحث ما می باشد ، این خلاصه ای از کلام حضرت امام (ره) بود که به عرضتان رسید آن را مطالعه کنید تا این شاء الله فردا بیشتر در موردش بحث کنیم ...